

## بسم الله الرحمن الرحيم

صاحب عروة در مسئله هفتم می فرماید؛ (مسئله ۷): لا يجب الفور فى قضاء ولا التتابع نعم يستحب التتابع فيه وإن كان أكثر من ستة لا التفريق فيه مطلقاً أو فى الزائد فى الستة.

در این مسئله دو مطلب ذکر شده؛ یکی اینکه در قضاى ماه رمضان فوریت لازم نیست و دوم اینکه لازم نیست آنها را پشت سر هم بگیرد بلکه هر وقت که قدرت داشت می تواند قضاى روزه هایش را بگیرد. عرض کردیم که در مورد مطلب اول (عدم وجوب فوریت) روایات متعددی وارد شده است که در جلسه قبل دو روایت را خواندیم و اکنون به روایات بعدی می پردازیم، خبر بعدی خبر ۲ از باب ۲۷ از ابواب احکام شهر رمضان می باشد، خبر این است: «عنه (شیخ طوسی باسناده عن الحسين بن سعيد عن عن القاسم بن محمد الجوهري عن أبان بن عثمان عن عبد الرحمن بن أبي عبد الله قال سألت أبا عبد الله (ع) عن قضاء شهر رمضان فى شهر ذى الحجة وقطعه (يعنى عدم تتابع) فقال أقضه فى ذى الحجة واقطعه إن شئت».

در جلسه قبل در مورد وثاقت قاسم بن محمد جوهری بحشی را مطرح کردیم و توانستیم وثاقت او را قبول کنیم، صاحب وسائل در پایان این خبر اضافه می کند: «و رواه الصدوق بإسناده عن عبد الرحمن بن أبي عبد الله و رواه الكليني عن حميد بن زياد عن ابن سماعة عن غير واحد عن أبان مثله». بنابراین مشایخ ثلاث هر سه این حدیث را روایت کرده اند.

خبر بعدی خبر ۴ از همین باب ۲۷ می باشد، خبر این است: «محمد بن يعقوب عن علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن حفص بن البختري عن أبي عبد الله (ع) قال كُنْ نِسَاءَ النَّبِيِّ ص إِذَا كَانَ عَلَيْهِنَّ صِيَامٌ آخِرُنْ ذَلِكَ إِلَى شَعْبَانَ إِلَى أَنْ قَالَ فَإِذَا كَانَ شَعْبَانُ صُمْنَ (وَصَامَ مَعَهُنَّ) الْحَدِيثَ». این روایت نیز صحیح است، و همانطور که می بینید اخبار باب ۲۷ بر عدم وجوب فوریت در قضاى صوم رمضان دلالت دارند و صاحب

جواهر هم در مورد عدم لزوم فوریت می فرماید: «بلا خلاف أجده فيه».

خوب و اما در مورد عدم لزوم تتابع باید عرض کنیم که اقوال زیادی در این رابطه وجود دارد من جمله اینکه علامه در منتهی جلد ۹ ص ۳۳۵ می فرماید: «و قضاء شهر رمضان متفرقا يجرىء و التتابع احسن عندى و احب و هو اختيار شيخنا رحمه الله (شيخ طوسی در مبسوط و نهاییه و در خلاف) و أكثر علمائنا و به قال ابن عباس، و أنس بن مالك... و مالك و أبو حنيفة، و الثوري و الأوزاعي و الشافعي... و قال بعض علمائنا: الأفضل أن يأتي به متفرقا و منهم من قال: إن كان الذى فاته عشرة أيام أو ثمانية، فليتابع بين ثمانية أو بين ستة، و يفرق الباقي و قال داود، و النخعي، و الشعبي: إنه يجب التتابع. و نقله الجمهور عن علي عليه السلام، و ابن عمر...». شیخ در خلاف جلد ۲ مسئله ۶۸ که در آن مسائل اختلافی بین ما و عامه را مطرح کرده است قائل است که تتابع أحسن می باشد. محقق در شرایع قائل است که تتابع مستحب است و صاحب جواهر هم سعی کرده است همین را ثابت کند. قول دیگر این است که تتابع واجب است که صاحب جواهر این قول را منسوب به عامه می داند و قول دیگر این است که تفريق مستحب است و قول دیگر این است که اگر پنج شش روز باشد تتابع أفضل است و إلا تفريق.

صاحب وسائل اخبار مربوط به این بحث را در جلد ۷ وسائل ص ۲۴۹ در باب ۲۶ از ابواب احکام شهر رمضان ذکر کرده، اخبار ۸۵ و ۴ از این باب بر ما نحن فيه دلالت دارد، خبر ۴ این خبر است: «محمد بن الحسن بإسناده عن الحسين بن سعيد عن حماد عن عبد الله بن المغيرة عن ابن سنان يعني عبد الله عن أبي عبد الله (ع) قال من أفطر شيئاً من شهر رمضان فى عذر فإن قضاؤه متتابعاً فهو أفضل وإن قضاؤه متفرقاً فحسن».

خبر ۵ از این باب ۲۶ این خبر است: «عنه (شیخ طوسی) عن محمد بن أبي عمير عن حماد عن الحلبي عن أبي عبد الله (ع) قال إذا كان على الرجل شيء من صوم شهر رمضان فليقضه فى أى شهر شاء أياماً متتابعة فإن لم يستطع فليقضه كيف شاء وليخص الأيام (ایام) را بشمرد تا بعد به مشکل بر نخورد) فإن فرق فحسن»

عمار ساباطی دارای اضطراب می باشد ، به هر حال این خبر دلالت دارد بر لزوم تفریق و حال آنکه روایات قبلی دلالت داشتند بر اینکه تتابع أحسن و أحب می باشد لذا علماء ناچار شده اند که این حدیث (خبر ۶) را توجیه کنند . توجیه اول ؛ آیه الله خوئی در مستندالعروه جلد ۲ ص ۱۷۴ می فرماید : « و الصحيح لزوم ردّ علمها إلى أهلها لمعارضتها للنصوص الكثيرة المصرحة بجواز التتابع ، بل أفضليته التي لا ريب في تقديمها لكونها أشهر و أكثر ، ومع الغرض و تسليم التعارض و التساقط فيكفي فى الجواز بل الاستحباب عمومات المسارعة و الاستباق الى الخير كما عرفت » . توجیه دوم ؛ علامه در منتهی جلد ۹ ص ۳۳۸ که تتابع را بهتر می دانست در توجیه این خبر می فرماید : « الجواب عن الأول : أن في طريقه قوماً ضعفاء منهم عمار و يحتمل أنه عليه السلام إنما أمره بذلك على جهة التخيير و الإباحة ، لا على سبيل الإيجاب و لا الندب ... و لو صح ، حمل على الاستحباب ، فإن التتابع أحسن ؛ لما فيه من المسارعة إلى فعل الطاعات ، و موافقة الخير ، و الخروج من الخلاف ، و مشابهته بالأداء » .

توجیه سوم ؛ صاحب جواهر می فرماید ؛ این خبر اضطراب دارد و مورد عمل فقهای ما نیست از این رو یا باید آن را توجیه کرد و یا طرح نمود . علیّ آىّ حال ظاهر عبارت صاحب عروة نشان می دهد که ایشان به خبر عمار عمل نکرده است .

( مسئله ۸ ) : لا يجب تعيين الأيام فلو كان عليه أيام فصام بعددها كفى و إن لم يعين الأول و الثانى و هكذا بل لا يجب الترتيب أيضا فلو نوى الوسط أو الأخير تعين و يترتب عليه أثره .

این مسئله در این مورد است که کسی که روزه می گیرد لازم نیست معین کند که مثلا امروز روزه روز هشتم ماه رمضان را قضا می کند و هكذا . بقیه بحث بماند برای جلسه بعد انشاءالله ...

و الحمد لله رب العالمين اولاً و آخراً و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

فَإِنْ تَابِعَ فَحَسَنُ الْحَدِيثِ » . خبر سندا صحيح می باشد و ظاهر صدر این روایت وجوب است زیرا امام (ع) به قضاء متتابعة امر می فرماید و امر هم ظهور در وجوب دارد ولی در جمع بین این اخبار و اخبار دیگر قائل به استحباب می شویم .

خبر ۸ از این باب ۲۶ این خبر است : « مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ (شيخ صدوق) بِإِسْنَادِهِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرِ الْجَعْفَرِيِّ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا (ع) عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ عَلَيْهِ أَيَّامٌ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أَوْ يَفْضِيهَا مُتَفَرِّقَةً قَالَ لَا بَأْسَ بِتَفْرِيقِ قِضَاءِ شَهْرِ رَمَضَانَ إِنَّمَا الصِّيَامُ الَّذِي لَا يُفْرَقُ صَوْمٌ كَقَارَةِ الظَّهَارِ وَ كَقَارَةِ الدَّمِّ وَ كَقَارَةِ الْيَمِينِ » . خبر سندا صحيح می باشد و اسناد شيخ صدوق به سليمان بن جعفر صحيح است و سليمان بن جعفر ثقه می باشد و در این روایت تصریح شده است که منحصرأ صوم كفاره ظاهر و كفاره قتل خطأ و كفاره قسم باید پشت سر هم باشد ، بعد صاحب وسائل اضافه می کند : « وَ رَوَاهُ الْكُلَيْبِيُّ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَشِيمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ وَ رَوَاهُ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ مِثْلَهُ » .

خوب و اما یک خبری در این باب وجود دارد که بر عدم تتابع دلالت دارد و ظاهراً صاحب عروه نیز ناظر به آن بوده ، خبر ۶ از همین باب ۲۶ که این خبر می باشد : « بِإِسْنَادِهِ (شيخ طوسی) عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ حَمِيرِيٍّ كَمَا مِنْهُ أَنَّ سَعْدَ بْنَ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ (فطحى و ثقه است) عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ (فطحى و ثقه است) عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ (فطحى و ثقه است) عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابِاطِيِّ (فطحى و ثقه است) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ الرَّجُلِ تَكُونُ عَلَيْهِ أَيَّامٌ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ كَيْفَ يَفْضِيهَا فَقَالَ إِنْ كَانَ عَلَيْهِ يَوْمَانِ فَلْيَفْطِرْ بَيْنَهُمَا يَوْماً وَ إِنْ كَانَ عَلَيْهِ خَمْسَةٌ أَيَّامٍ فَلْيَفْطِرْ بَيْنَهَا أَيَّاماً وَ لَيْسَ لَهُ أَنْ يَصُومَ أَكْثَرَ مِنْ سِتَّةِ أَيَّامٍ مُتَوَالِيَةً وَ إِنْ كَانَ عَلَيْهِ ثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ أَوْ عَشْرَةَ أَفْطَرَ بَيْنَهَا يَوْماً » . این روایت موثق است و همانطور که واضح است این خبر در متن اضطراب دارد ، آیه الله بروجردی در درس می فرمودند که عمار ساباطی اهل ساباط است که از شهرهای مدائن می باشد که اهل آن فارسی زبان بوده اند و بعد که اعراب آنجا را تصرف کرده اند آنها با زبان عربی آشنا شده اند لذا معمولاً روایات